

توانی خودی و حریمت اما آنجا معنوی است که ربط میان آن سه طلب و میان
 مابین آن معنی قواعلی که کلام فانی را که بر تقدیر مذکور با لمره برود و با
 آنکه فانی یک بر تقدیر مصدر است بعلم ربط غریب تر آنکه جامع مذکور
 استدلال خود را از جمله معارف آیه شریفه بلکه عمده معارف خویش
 فهمیده و تقوی بر محمدش سلف حبیبه در میان عوام الناس اعتبار بهم
 رسانیده اند سه بهین تفاوت ره از کجاست تا یکی باید دانست
 که مقصد قضی عارف توهم تمامست بسوی جناب قدس چنانچه از
 خطبه ماسوی او تعالی بالکلیه سخن از ملاحظه نفس خود قانع
 و غایب است و بیست ده بکریا و تعالی از دید بسوی او باری
 یا به او این معنی از کلام حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی قدس سره که
 سابق ذکر یافته مفهوم میکرد و اگر این حال نفس را بفضل از دست
 حاصل نمود و وجود عالم با او هرگز نزارد و اگر دلش با امور و همه تعلیم
 فانی عالم متعلق بود عدم عالم با او و منتهی خواهد بود بلکه فوت
 جذب و غلبه محبت حقیقی در خلط و آن ظاهر میکرد و باید دانست که
 حضرت شیخ احمد جام قدس سره در رساله مفتاح النجاه تقریر
 فرموده که طریق کبر معارف الهیه عقل و نظر و بهر آنکه بعضی ضابطه
 و این عین مذکور است و جماعت است که ضعیفی معرفت را

نشان

فی

فصل جدا پیمالی میداند و نظر از اسباب علوه آن در شرح
 فرموده که اگر مقام معلمی معنی کلمه توحید دور او باشد و اگر نشود
 باشد اصل همانست که مذکور شد باید دانست که اگر حق تعالی
 باشد منکر اقوال خاصه است تا که مخالف نظر ابر قرآن و حدیث است
 ضرر عاید نکند و حضرت با و خواهر رسیده که عذاب پیش اینها عا
 اعتباری و همی و منقطع است و اگر حق با جمیع علمای و عرفا و
 باشد که موافقت با ظاهر قرآن و حدیث پس بر آن جماع لازم
 که این فکر خود باشند و از عذاب ابدی ثابت نمانند قطع تر سینه
 و غیر معذب بطور آنها خدای است و سینه در میان نیت باید
 دانست که معنی حقیقت در شهر نور و جمهور ما به الشی هو مظهر
 و بطور محققین صوفیه حقیقت عبارتست از معنی مقصود از
 در هر صورت که باشد مثلا میگویند حقیقت میزان چهر است
 که معنی معرفت مراتب اشیا باشد و معرفت مراتب آنها از این
 بظهور آید و بنا برین گونه حقیقت حمد اظهار صفات عقل
 و شرع میزان است و استرلاب میزان است و باز گویند وجود
 مصوغات را از محامد الهیه می شمارند باید دانست که
 تعطل در صفات قدسیه پیش کبار صوفیه عبارتست از نورانی

حقیقت حمد اظهار صفات
 کمال است و آن چهار است
 که ای و کلمات